



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

زندگینامہ می

شہد محمد طاہر نصیبی

محمد طاهر نقیبی فرزند دوم خانواده بود. او پسری خونگرم و محربان و باشهماس و دلسوز بود. در سنین کودکی به خواندن قرآن و دعا علاقه‌ی زیادی داشت. در سن ۱۶-۱۵ سالگی خواندن قرآن و دعای را در حسینیه‌ی عمه داشت و آنقدر زیبا با صوت می‌خواند که مردم زیادی را جذب حسینیه می‌کرد. او به امام حسین و ائمه‌ی اطهار عشق می‌ورزید. در دهه‌ی محرم دسته‌های سینه زنی را، بربری می‌کرد و برای آنها نوحه و قصیده می‌خواند.

در ایام انقلاب خلیل فعالیت می کرد، به مساجد می رفت و اعلامیه های امام رامی خواند و به دیگران می داد. از مردم می خواست که حضور شان را در مساجد و حسینیه ها حفظ کنند. شهبا با دوستانش در خیمه ها پاسداری می کرد. در همین پرسی جمهوری اسلامی خلیل فعال بود. گروه آنها مسئول بردن صندوق های رأی بروستاها و دفاتر اطراف بود. او طرفدار روستایان بود و همیشه می گفت که روستایان مظلوم ترین افراد اجتماع هستند. همیشه دوست داشت به آنها خدمت کند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به خدمت سربازی رفت و در زاندارمری مشغول خدمت شد و چون در آن موقع دکرده ساندان دولت با حزب کوملبه و گیکره احزاب دگیری داشت خیلی دوست داشت که به آنها بارود و حقیقی به

سَرْكَرْ وَهِبَانْ خُودْ كَفَتَهْ بُودَ كَهْ أَكَهْ هَرَابَهْ كَهْ دَسَانْ بَفَرْ سَيِّدْ عَوْضْ ۲ سَالْ ۳ سَالْ خَدْمَتْ مَنْ كَنْمْ ولَيْ قَبُولْ كَمْرَدْ نَرَوَدْ
خَسَرَ وَآبَاوَآبَاوَانْ مَشْغُولْ خَدْمَتْ شَدَّهْ اَوْ بَعْدَ اَزْ ۴۰ هَاهْ بَهْ سُكَنْرَدْ مَقْتَلْ شَدَّوَدْ حَلَّهْ يَعْرَقِيْ يَاهْ بَهْ سُكَنْرَدْ دَهْ تَارِيخْ
۱۳۵۹/۹/۲ بَهْ دَجَهْ يَرْفِعْ شَهَادَتْ نَأْلَ كَشْ.

روحش شادوراهش پر هر باد

